جبهه مشارکت ایران اسلامی

تاکید مشارکت بر ائتلاف بزرگ اصلاح‌طلبان

سرمقاله خبرنامه مشارکت: پیچیدگی‌های ساختار سیاسی و تجربه چند سال اخیر در روند رقابت‌های سیاسی، واژه «ائتلاف» را به یکی از مهمترین واژه‌ها در ادبیات نیروهای سیاسی بدل کرده است. منابع و چگونگی توزیع «قدرت» از یک‌سو و تنوع و تکثری که در مطالبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جامعه وجود دارد، نیروهای سیاسی را با این مسئله بزرگ مواجه کرده است که آیا می‌توان در برابر قدرتی متراکم در ساختار حاکمیت و تکثر معتنابه در بافت جامعه رقابتی عادلانه و هم‌طراز را شکل داد و سازوکار تداول قدرت را صورت بخشید و بسان دموکراسی‌های جاافتاده دنیا همکاری و ائتلاف را به پس از وزن‌کشی‌های انتخاباتی موکول کرد؟ قدرت متراکمی که پیش روی نیروهای سیاسی عرض اندام می‌کند بر مبنای تفکری متصلب در حقانیت و مشروعیت خود را مجاز می‌شمارد که به هر وجه ممکن حتی با مداخله در قواعد بازی، موجودیت و اقتدار خود را حفظ نماید و از ایجاد هر نوع رخنه در این توده متراکم ممانعت به عمل آورد. از این‌رو به نظر می‌رسد مسئله «ائتلاف» به خودی خود دارای موضوعیت است. پیش از این بارها گفته شده است که پروژه اصلاحات به مثابه روش دارای اصالت است و بر این مبنا ادعا بر آن است که اصلاحات معطوف به روش‌ها است و در این پروژه، بالاصاله لزوماً هدف‌ها ارزش غایی ندارند و این روش‌ها هستند که به اهداف ارزش می‌بخشند. در شرایط حاضر و بر مبنای تصویری واقع‌بینانه از ساخت و بافت قدرت و جامعه ایران امروز، در باب مسئله ائتلاف نیز باید چنین ادعایی کرد. مستقل از نتایج حاصل از ائتلاف و اینکه رهاورد ائتلاف‌های سیاسی چه خواهد بود، ائتلاف به مثابه روش دارای موضوعیت و ارزش است. هنگامی که به پشت سر نگاه می‌کنیم و رخدادهای خرداد و تیر سال ۸۴ را بازبینی می‌کنیم درمی‌یابیم که یکی از اصلی‌ترین علل ناکامی در انتخابات دور نهم تفرق در میان نیروهای اصلاح‌طلب بود و حریف زیرکانه این اختلاف را دامن می‌زد و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای و تبلیغاتی و با بهره بردن از امکانات نهادهای قانونی این شکاف و اختلاف را مدیریت می‌کرد. شکست همه تلاش‌های صورت گرفته برای رسیدن به اجماع اصلاح‌طلبان تنها بر مبنای نوعی خوش‌بینی و اشتباه محاسباتی قابل توجیه است و اتفاقی که در مرحله دوم انتخابات افتاد به این دلیل بود که نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب با واقعیت بیرونی به عینه مواجه شده بودند و خطرناکی بافت متراکم قدرت را بیش از هر زمانی درک کردند. باید اذعان کرد علت محدثه ائتلاف بزرگ در فاصله مرحله اول و دوم انتخابات ۸۴ پس از گذشت ۱۰ ماه از آن نه تنها کماکان باقی است بلکه به استناد شواهد متعدد می‌توان نشان داد که تقویت نیز شده است. حفظ و گسترده‌تر کردن ائتلاف بزرگ در چنین شرایطی مهم است و برای اصلاحات یک استراتژی قلمداد می‌شود. باید تلاش کرد رقیب اصلی را شناخت و غیر از آن را موتلفی بالقوه در این ائتلاف بزرگ قلمداد کرد. البته می‌توان توقع داشت که در هر مرحله و هر مقطع و با هدف‌های کوتاه‌مدت بخشی از این ائتلاف بزرگ فعلیت بیشتری یافته و منشاء آثار بیرونی شود اما باید «قوه» ائتلاف بزرگ را حفظ و گسترده کرد و آن را با مدیریت سیاسی به «فعل» درآورد. در جهت حفظ و گسترش این ائتلاف، احزاب و سازمان‌های باسابقه و موثر سیاسی اصلاح‌طلب باید پیشگام باشند و با درک صحیح از شرایط پیچیده سیاسی کشور و متناسب با چشم‌اندازهایی که از فراز و نشیب سیاست در آینده ایران وجود دارد ارتباطات، رایزنی‌ها و مذاکرات سیاسی را شکل داده و حلقه‌های دور و نزدیک این ائتلاف بزرگ را گرد هم آورند. در این میان نباید از امکانات و قوای هیچ یک از نیروهای عضو این ائتلاف غفلت کرد. دایره نیروهای عضو این ائتلاف بالقوه چنان گسترده است که با اندکی تسامح و کنارگذاشتن دلخوری‌های تاریخ گذشته و بر مبنای تقسیم کار واقعی می‌توان حصول نتیجه و دفع خطر را سهل‌تر نمود. این تقسیم کار نقش‌ها، اصلی‌ترین دستور مذاکرات و رایزنی‌های فیمابین نیروهای سیاسی خواهد بود.

سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی

چارچوب کلی مواضع‌مان تغییر می‌کند

ایلنا: دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بر تطبیق فهرست نامزدهای اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس خبرگان رهبری با نظرات هاشمی‌رفسنجانی تاکید کرد و اظهار داشت: ایده‌آل ما این است که این فهرست با نظرات هاشمی‌رفسنجانی هماهنگ شود. محمد سلامتی با بیان اینکه اولویت سازمان مجاهدین انقلاب ائتلاف احزاب عضو شورای مرکزی جبهه اصلاحات است، افزود: در جبهه اصلاحات زمینه ذهنی خوبی برای همکاری با برخی گروه‌های خارج از جبهه اصلاحات وجود ندارد، به‌خصوص در مورد نیروهای ملی- مذهبی و نهضت آزادی ایران چنین است اما به عنوان یک تشکیلات سیاسی خوشحال می‌شویم که همه گروه‌ها بتوانند در انتخابات حضور فعال داشته باشند. دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از بررسی مجدد سیاست خارجی، داخلی، سیاست فرهنگی و اقتصادی حزب متبوع خود خبر داد و گفت: سازمان مواضع خود را در سال ۷۴ در نشریه عصر ما اعلام کرد، آن موقع تنها تشکیلات سیاسی بودیم که تلاش کردیم مواضع‌مان را شفاف بیان کنیم و چون می‌خواستیم عضوگیری کنیم، معتقد بودیم که افراد باید با آگاهی کامل نسبت به مواضع حزب به عضویت آن درآیند. وی افزود: از آنجا که تصور کردیم این مواضع پس از طی این سال‌ها نیاز به اصلاحات دارد، شروع به بررسی مجدد آنها کردیم. به گفته سلامتی هم‌اکنون کمیسیون‌های تدوین مجدد مواضع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سیاست خارجی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی کارشان را آغاز کرده‌اند و این حزب سعی می‌کند از صاحب‌نظران خارج از حزب نیز برای این منظور استفاده کند. وی در عین حال تصریح کرد با بررسی مجدد مواضع‌مان احساس می‌کنیم که این تحلیل‌ها برای شرایط فعلی ارائه شده است، بنابراین نیاز به تغییر اساسی در آن نیست اما چارچوب کلی مواضع‌مان تغییر می‌کند. سلامتی با اشاره به اینکه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی از سه سال پیش عضوگیری را در دستور کار خود قرار داده، بیان کرد: در حال حاضر عضوگیری و تاسیس دفاتر حزب را در استان‌ها و تهران پیگیری می‌کنیم اما سازمان نسبت به احزاب دیگر در این مورد کندتر و باوسواس بیشتری عمل می‌کند.

حزب اعتماد ملی

معرفی کاندیداهایی که تایید صلاحیت می‌شوند

ایرانیوز: دبیرکل حزب اعتماد ملی در پاسخ به سئوال خبرنگاری در خصوص نحوه حضورش در انتخابات خبرگان گفت: در خبرگان فعال جدی هستم و حضور خواهم داشت. ما در حزب اعتماد ملی مقدمات کار را برای حضور فعال در انتخابات خبرگان شروع کرده‌ایم و قصدمان معرفی کسانی است که شانس بیشتری برای تایید صلاحیت از سوی شورای نگهبان دارند. مهدی کروبی با اشاره به نامه‌ای که چندی پیش به آیت‌الله مشکینی رئیس مجلس خبرگان نوشته بود، گفت: من در این نامه طرح کردم که زن‌ها و اندیشمندان و نخبگان غیرروحانی هم می‌توانند و باید عرصه‌ای برای حضور در خبرگان داشته باشند. در مورد روحانیون هم اشاره کردم که صلاحیت آنها هم باید از سوی مراجع تقلید در قم تایید یا رد شود نه از سوی شورای نگهبان. در ادامه نیز خبرنگاری از وی سئوال کرد که آیا نگاه انتقادی که اکنون نسبت به مسائل دارید و خود را یک مبارز می‌دانید، به دلیل این نیست که در انتخابات ریاست جمهوری نتوانستید رای بیاورید؟ کروبی در پاسخ اظهار داشت: عملکرد من در طول ۲۷ سال گذشته نشان‌دهنده دیدگاه‌های من است. من همیشه ضمن حمایت از انقلاب، اهل نقد بوده‌ام. ۱۶ سال در مجلس حضور داشتم. مدتی هم مسئول حج بودم. تفکر من روشن است و طرفدار رقابت و انتخابات پررونق هستم. از حضور و فعالیت تشکل‌ها و احزاب هم حمایت جدی می‌کنم. سخنان من در سال‌های ۵۹ و ۶۰ در خصوص تشکل‌ها و احزاب موجود است. در انشعاب مجمع روحانیون از جامعه روحانیت من پیشقدم بودم. وی اضافه کرد: من بنا داشتم اگر در این دوره رئیس‌جمهور شدم، حتی اگر خودم هم حزب تشکیل ندهم ولی فضا را برای شکل‌گیری احزاب قدرتمند مناسب و فراهم کنم. رئیس جمهوری که حزب تشکیل می‌دهد، حزب او معلول قدرت است و پس از آن هم از بین می‌رود. ولی من بنا داشتم فضایی ایجاد کنم که احزاب پایدار و نیرومند بتوانند تشکیل شوند و فعالیت کنند. کروبی که برای اظهارنظر در مورد علت رای نیاوردنش در انتخابات تمایلی نشان نداد، گفت: در انتخابات ریاست جمهوری به هر دلیلی رای نیاوردم، برای همین احساس کردم که باید یک حزب نیرومند تشکیل دهم. من تفکر حزبی دارم، داشتم و معتقد به حزب هستم. در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری حتی تشکلی که من دبیرکل‌شان بودم هم با من همراه نبودند، در عین حال آرای مرا در سراسر کشور و در استان‌های بزرگ مثل خوزستان، فارس و کردستان دیدید. وی از حزب اعتماد ملی به عنوان یک حزب نیرومند یاد کرد و گفت: البته معتقدم که احزاب دیگر هم باید حضور داشته باشند. تمایل ندارم که ما تنها حزب نیرومند باشیم و این را هم موجب فساد می‌دانم. معتقدم که احزاب نیرومند باید در کنار هم فعالیت کنند و با هم رقابت کنند والا ما هم به یک رستاخیز دیگر تبدیل خواهیم شد. کروبی در پاسخ به سئوالی مبنی بر عدم اعتقاد تحریریه روزنامه اعتماد ملی به وی اظهار داشت: من نمی‌دانم که اعتقادات افراد چیست ولی مگر من میزان‌الاعمال هستم که همه باید به من معتقد باشند؟ من یک روحانی مسلمان هستم و اعضای حزب و روزنامه هم لازم نیست که حتماً به من اعتقاد داشته باشند. همین که در چارچوب قانون اساسی حرکت کنند، کافی است.

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم

هاشمی رکن رکین انقلاب است

ایلنا: عضو شورای مرکزی مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم گفت: اگر به موقع جلوی جریان «حذفی» را که شروع شده است، گرفته نشود، این جریان به هاشمی اکتفا نخواهد کرد و به دستگاه‌های بالاتر و چهره‌های شاخص دیگر نظام نیز خواهد رسید. محمدتقی فاضل میبدی در واکنش به مطالبی که در نشریه پرتو پیرامون رد صلاحیت هاشمی‌رفسنجانی، حسن روحانی و سیدمحمد خاتمی آمده است، گفت: این نوع برخوردهای حذفی برای کشور بسیار خطرناک است و هدف این افراد از طرح این مسائل اجرای قانون توسط شورای نگهبان نیست، بلکه هدف آنها حذف افراد باسابقه امثال هاشمی و خاتمی است. وی تاکید کرد: اگر مقامات کشور قصد دارند نظام جمهوری اسلامی باقی بماند، باید با این نوع ادبیات مخالفت کرده و جلوی آن را هرچه زودتر بگیرند. من برای نظام احساس خطر زیادی می‌کنم چرا که اگر این جریانات جدی‌تر شود، همان اتفاقی که در صدر اسلام برای پیروان واقعی پیامبر (ص) پیش آمد، دوباره تکرار خواهد شد. فاضل میبدی با تاکید بر اینکه مجلس خبرگان رهبری جای افرادی دلسوز و معتقد چون هاشمی است، تصریح کرد: متاسفانه جریاناتی از خارج برای هدف قرار دادن ارکان انقلاب و دلسوزان نظام این برخوردها را سازمان می‌دهند و امروز هاشمی را که رکن رکین انقلاب است، هدف قرار داده‌اند. فاضل میبدی در ادامه گفت: اگر این جریان دچار این توهم شود که کسی رقیب آنها است، به حذف رقیب مبادرت خواهد کرد به گونه‌ای که دایره رقابت‌ها را تنگ و افرادی که سابقه‌ای در انقلاب نداشته و در زمان امام(ره) و اوج جنگ هیچ حرکت حمایتی نداشته‌اند، وارث انقلاب معرفی کنند. وی تاکید کرد: اگر قرار است شورای نگهبان افرادی را به بهانه اسلامیت رد صلاحیت کند، باید افرادی را که به جمهوریت نظام نیز معتقد نیستند، رد کند زیرا امام هم با افرادی که جمهوریت را زیر سئوال می‌بردند، برخورد می‌کرد.

مجمع روحانیون مبارز

مصباح جریان‌ساز نیست

ایسنا: عبدالواحد موسوی‌لاری عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز درباره نظر برخی افراد و جریانات که آیت‌الله مصباح‌یزدی را جریان سوم انتخابات پیش روی خبرگان می‌دانند ابراز عقیده کرد: آقای مصباح‌یزدی از نظر تشکیلاتی یا باید به تشکل‌های موجود جریان راست مثل جامعه روحانیت و جامعه مدرسین تکیه کند و یا تشکل‌های تعریف نشده و ناشناسی که در درون نهادهای حاکمیتی شکل می‌گیرد و در هر مرحله‌ای از یک جریانی حمایت می‌کند. آقای مصباح بدون این دو تکیه‌گاه خود فی‌حد نفسه نمی‌تواند جریان‌سازی کند. ایشان بیش از آن‌که گفته می‌شود جریان‌ساز است و در مسیر جریان‌سازی‌ها قرار می‌گیرد. اینکه آقای مصباح‌یزدی به‌عنوان یک جریان سوم در انتخابات خبرگان مطرح شود حداقل در باور بنده نمی‌گنجد.

حزب کارگزاران سازندگی

دعوت روشنفکران به آشتی با احزاب*

نخستین آشنایی جدی ایرانیان با فرهنگ غرب در قرن نوزدهم رخ داد. پیش از آن روابط ایران با سرزمین‌هایی که امروزه غرب خوانده می‌شود یا در سایه کشاکش خلفای عرب با صلیبیون بود و یا تجارت محدود با بخش رو به زوال اروپا یعنی پرتغال که پیش از ورود به دوران صنعتی نوین رو به زوال گذاشت و اساساً مجالی نیافت که فارغ از سوداگری با ایران وارد مراوده فرهنگی شود. مرحله اول آشنایی جدی ایران با غرب، ورود جهانگردان و تاجران انگلیسی به دربار صفوی و بسط آن تا زمان قاجارها بود. مرحله دوم که تاثیر آن عمیق‌تر از دوره قبلی بود در قرن نوزدهم رخ داد. این آشنایی با گسیل دانشجویان ایرانی به کشورهای اروپایی که آن زمان فرنگ خوانده می‌شدند، شروع شد. زمانی که نخستین دانشجویان ایرانی وارد فرنگ شدند با وجود آنکه احزاب کلاسیک در آن کشورها حضور حقوقی نیرومندی داشتند، رشته سیاست یک‌سره در دست جنبش‌های چپ‌گرایانه به‌ویژه سندیکالیست‌ها بود. آن‌گونه که براساس تجربه گفته می‌شود در قرن نوزدهم در حوزه دانش‌ها نوعی تقسیم کار طبیعی بین سه قدرت اروپایی یعنی انگلستان، آلمان و فرانسه رخ داد. اولی سردمدار تجربه گرایی متکی به اقتصاد، دومی گهواره خردگرایی فلسفی و سومی آوردگاه خیال‌گرایی سیاسی شد. فرهنگ اقتصادی که برآمده از میراث نوزایی دینی و ریاضت‌کشی بود، برای ایرانیان دشوار و دفع‌کننده بود و سنت آلمانی که مبتنی بر ژرف‌اندیشی و اهتمام فکری بود، طاقت‌فرسا و کم‌حاصل می‌نمود. اما سنت فرانسوی که آبستن نظام‌گریزی و شورش بر پیشینیان بود، برای دانشجویان ایران جذاب‌تر جلوه کرد. در نیمه دوم قرن نوزدهم که گروه‌هایی اندک اما برآمده از خانواده‌های اشرافی یا بازرگانان بلندپایه از ایران به‌سوی اروپا و عمدتاً فرانسه گسیل شدند، اروپا در تب انقلاب‌های سوسیالیستی می‌سوخت و فرانسه کانون این خلجان بی‌پیشینه بود. آزادیخواهان و مساوات‌طلبان اروپایی که گرد کارل مارکس و فردریش انگلس متشکل بودند به کارگران جهان نوید می‌دادند که اگر علیه سرمایه‌داری بشورند، فردا از آن طبقه‌شان خواهد بود و زنجیرهای اسارت گسسته خواهد شد. تماس دانشجویان ایرانی با این تفکرات باعث شد آنها با آرزوهای بزرگ به میهن بازگردند و بی‌آنکه آثار ژرف مارکس، پیشینیان او و منتقدانش را خوانده باشند مروج شور انقلابی فرانسوی و مساوات‌طلبی سوسیالیستی شدند. در اواخر قرن نوزدهم، از درون این مساوات‌طلبی احزاب، جمعیت‌ها و روشنفکرانی بیرون آمدند که مخالفانشان آنان را غربگرا می‌خواندند، حال آنکه آنها با دو جریان اصلی تفکر در اروپا (سنت انگلیسی و آلمانی) پیوند مستحکمی نداشتند و صرفاً مجذوب مساوات‌طلبی فرانسوی بودند. با پیروزی انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷ این منظومه تکمیل شد و جریان روشنفکری ایران سه‌پاره شد. گروهی که دانش‌آموخته مدارس قدیم و حوزه‌های دینی بودند در پی آشنایی با تفکرات جدید، تجددخواه شدند اما بر اعتقادات دینی خود هم باقی ماندند. گروه دوم به‌سوی شعبه سوسیالیستی اندیشه گرویدند و گروه سوم شعبه کاپیتالیستی اندیشه را برگزیدند. اوج‌گیری انقلاب روسیه و سرایت آن به جهان به تدریج، سوسیالیسم را به ایدئولوژی غالب جریان روشنفکری جهان و به تبع آن ایران تبدیل کرد. روشنفکران ایرانی از جمله نویسندگان و هنرمندان گروه گروه به احزاب چپ‌گرا به‌ویژه حزب توده پیوستند. با آغاز بدنامی رژیم استالینیستی شوروی این جریان معکوس شد اما در دو طیف دیگر روشنفکری جاذبه‌های کافی برای جذب روشنفکران وجود نداشت. تعلیقی که در پی این تحولات پیش آمده به همراه شکست‌های پی در پی احزاب سیاسی در برابر دربار، روشنفکران ایرانی را از احزاب سیاسی گریزان کرد. این تحولات در ایران درحالی رخ می‌داد که دموکراسی‌های مبتنی بر حزب و پارلمان سراسر غرب را تسخیر می‌کرد و سوسیالیسم به همراه احزاب توتالیتر گام به گام عقب می‌رفتند. نفرت از نظم آهنین احزاب توتالیتر، اکنون به جایی رسیده است که جریان روشنفکری ایران هرگونه نزدیکی به احزاب را وهن خود و عبور از استعلای تفکر می‌دانند حال آنکه درست در زمانه‌ای که این تفکر بر ایرانیان غالب می‌شد، احزاب دموکراتیک جهان بر شالوده نظریه‌پردازان و متفکران استوار شدند و راه‌هایی نو پیش پای ملت‌های خود گذاشتند. شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که ما ایرانیان هم فصل بازاندیشی را آغاز کنیم و این باور را در خود بپرورانیم که آزادی و عدالت که والاترین ارزش‌های بشری هستند لاجرم از معبر «شورا» می‌گذرند و شورا محقق نمی‌شود مگر شکل‌گیری احزاب سیاسی که آبشخور فکری آن متفکران و روشنفکران باشند.

*** برگرفته از سرمقاله ارگان مطبوعاتی کارگزاران**

حزب اعتدال و توسعه

رایزنی با کاندیداهای شوراها

گروه سیاسی: به دنبال تشکیل ائتلاف یکپارچه اقوام ایران اسلامی به میزبانی کانون اقوام حزب اعتدال و توسعه، ستاد انتخاباتی این ائتلاف آمادگی خود را برای رایزنی با کاندیدهای دور سوم شوراهای اسلامی شهر و روستا اعلام کرد. رئیس کانون اقوام حزب اعتدال و توسعه و دبیر ائتلاف یکپارچه اقوام ایران اسلامی ضمن اعلام این مطلب در خصوص نحوه حمایت از کاندیداهای موردنظر ائتلاف اظهار داشت: «تجربه دور اول و دوم شوراها و آسیب‌هایی که در این دو دوره شاهد آن بودیم نشان داد یکی از مهمترین الزامات و ضرورت‌های مدیریت شهری این است که کاندیداهایی مورد حمایت قرار گیرند که فارغ از درگیری‌های جناحی به دنبال تحقق شعار «همه چیز برای مردم» در عرصه مدیریت شهری و روستایی بوده و خود مصداق عینی تبعیت از قانون باشند. اعتقاد به رفاه مردم، اعتدال در رفتار و توسعه همه‌جانبه و استاندارد مدیریت منطقه‌ای و ضرورت مشارکت دادن مردم در امور، به دور از شعارهای عوام‌فریبانه از جمله مشخصه‌های بارزی است که کاندیداهای مورد حمایت باید دارا باشند.» عرب‌خدایی افزود: «یقیناً انتخاب نهایی به دست مردم صورت می‌گیرد و در این دوره نیز به نظر می‌رسد آن دسته از کاندیداهای معتقد به نظام مقدس جمهوری اسلامی که منافع مردم را به منافع جناحی در مدیریت شهری ترجیح می‌دهند شانس بیشتری در راهیابی به صحن شوراهای اسلامی شهر و روستا خواهند داشت.» وی از حضور همه کاندیداهایی که درصدد تحقق مدیریت پویای شهری همراه و همگان با مردم هستند استقبال و آمادگی ائتلاف را برای رایزنی و حمایت از کاندیداهای واجد شرایط در همه شهرهای کشور اعلام کرد.

حزب موتلفه اسلامی

از هیات‌های مذهبی تا حزبی سیاسی

محمدمهدی اسلامی: «شما همه در راه خدا و همه‌مان در راه خدا می‌خواهیم کار بکنیم. هرکدام‌مان برادرانی همراه داریم، چرا جدای از هم کار بکنیم؟ بیایید شما اساسی را بریزید که در ارتباط با هم به کار ادامه بدهید خیلی جدی‌تر.» اینها جملاتی از حضرت امام خمینی(ره) است که در خاطر موسسین موتلفه باقی مانده است. وقتی در اردیبهشت ۴۲ به سه گروه مسجد امین‌الدوله، مسجد شیخ علی و گروه اصفهانی‌ها دستور تاسیس تشکلی را دادند که امروز پس از گذشت بیش از چهل سال همچنان از اصلی‌ترین تشکل‌های کشور اسلامی‌مان است. موتلفه اسلامی در سال‌های نخستین، تشکل خود را با چنان انسجام و قدرتی توسعه بخشید که توانست اعلامیه‌های حضرت امام خمینی(ره) را در یک ساعت مشخص در سرتاسر ایران توزیع کند و فعالیت‌های خود را آنچنان پیش برد که دستگاه اطلاعاتی رژیم شاه در نامه‌نگاری‌های رسمی خود شناسایی آن را غیرممکن اعلام کرد. دوره اول فعالیت‌های این تشکل که با نام هیات‌های موتلفه اسلامی فعالیت می‌کرد و توانسته بود از عنوان هیات برای پوشش فعالیت‌های انقلابی خویش به خوبی بهره برد با دستگیری عوامل اجرای حکم اعدام انقلابی حسنعلی منصور و به دنبال آن دستگیری گروه، مبارزه سیاسی پایان یافت، حرکتی که با مجوز برخی مراجع و دستور برخی علما همچون شهیدان مطهری و بهشتی (که نماینده امام در موتلفه بودند) و آیت‌الله میلانی صورت گرفته بود. پس از این دستگیری‌ها و به شهادت رسیدن چهار تن از چهره‌های شاخص موتلفه اسلامی و به زندان افتادن اکثریت چهره‌های سیاسی و نظامی این تشکل بیشتر این فعالیت‌ها در درون زندان‌ها و به صورت کم‌رنگ‌تر از گذشته ادامه یافت اگرچه امثال شهید اندرزگو که در بیرون از زندان بودند همچنان به فعالیت‌های خود در درون و بیرون از کشور ادامه می‌دادند. در سال‌های پایانی دهه چهل برخی از چهره‌های اثرگذار موتلفه اسلامی از زندان آزاد شدند و در سال ۴۹ به همت شهیدان رجایی، باهنر، اسلامی و برخی دیگر از همرزمانشان موتلفه دوم آغاز فعالیت کرد. در این دوره در کنار مبارزات سیاسی رویکردهای اقتصادی و فرهنگی از توجه بیشتری در میان سران این تشکل برخوردار شد، فعالیت‌هایی همچون تاسیس شرکت فیلم در خدمت دین، شرکت اردوی سبزه، شرکت قائمیان، تاسیس و راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه، مدرسه رفاه و... با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ یاران موتلفه اسلامی در کنار اعضای جامعه روحانیت مبارز و دیگر مبارزین هسته هدایت مبارزه را تشکیل دادند که این جمع در روزهای پایانی حکومت پهلوی به نام کمیته استقبال از حضرت امام شناخته می‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و با نظر حضرت امام خمینی(ره) فعالیت‌های این تشکل در درون حزب جمهوری اسلامی پیگیری و انسجام احتیاطی خود را حفظ کرد و با کمرنگ شدن فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی جلسات موتلفه اسلامی از سال ۶۵ منسجم‌تر شد. در سال ۶۸ با مجوز حضرت امام خمینی(ره) و پس از ارتحال ایشان با اجازه از مقام معظم رهبری بار دیگر به صورت رسمی به فعالیت پرداخت و در سال ۷۰ دومین کنگره رسمی این حزب برگزار شد. حزبی که با مجوز وزارت کشور و به صورت علنی به فعالیت می‌پرداخت و نام «جمعیت موتلفه اسلامی» را برای خود برگزیده بود. جمعیت موتلفه اسلامی با برگزاری منظم مجمع عمومی (کنگره) به صورت هر دو سال یک‌بار و با گسترش فعالیت در سراسر کشور یکی از معدود تشکل‌های کشور بود که با ساختار حزبی به فعالیت می‌پرداخت. در دی‌ماه ۸۲ در کنار هفتمین مجمع عمومی این حزب و در مجمع فوق‌العاده تغییر نام به «حزب موتلفه اسلامی» تصویب شد؛ این تغییر نام به جهت سهولت در ارتباطات بین‌الملل بود که در سال‌های اخیر میان این حزب و بسیاری از احزاب دیگر کشورها گسترش یافته و ترجمه جمعیت نمی‌توانست درک صحیحی از واقعیت‌های حزب برای آنها پدید آورد. حزب موتلفه اسلامی از مجمع عمومی ششم خود در دی‌ماه ۸۰ شعار جوانگرایی و تحول را در کنار دیگر شعارهای اصلی خود دنبال کرد و در مرداد سال ۸۳ دبیرکل جدیدی برای خود شناخت: «محمدنبی حبیبی». اگر چه از او به عنوان پنجمین دبیرکل این حزب یاد شد، اما در پیش از انقلاب به سبب نوع ساختار حزب تعبیر دبیرکل وجود نداشته است و برای شهیدان عراقی، امانی و اسلامی که به عنوان دبیرکل‌های اولیه در برخی نوشته‌ها یاد شده است بیشتر می‌توان تعبیر رهبری‌کنندگان را به کار برد. «محمدنبی حبیبی» در حقیقت دومین دبیرکل رسمی حزبی شد که در زمان دبیرکلی عسگراولادی توانسته بود وزن سیاسی خود را به عنوان قدیمی‌ترین حزب رسمی کشور تثبیت کند. مجمع عمومی که برای تعیین خط‌مشی دوساله حزب و انتخاب ۳۰ عضو شورای مرکزی از میان ۶۰ نام مورد تایید هیات موسس با رای هزاران عضو مجمع (که به نمایندگی از حوزه‌های حزبی خود از ۲۰۰ شهر از سراسر کشور جمع می‌شوند) تشکیل می‌شد، در دی‌ماه ۸۴ برگزار نشد تا هشتمین مجمع عمومی این حزب در اردیبهشت‌ماه (ماه تاسیس موتلفه اسلامی در خدمت امام) با شعار «وحدت، پویایی، اقتدار اسلامی» برقرار و با جشن چهل‌وسومین سالگرد تاسیس این حزب مقارن شود.

جامعه اسلامی مهندسین

جریان سوم در راه است

ایسنا: مرتضی نبوی با بیان اینکه دو جریان مجمع روحانیون و جامعه روحانیت پایه‌های اصلی سامانه حزبی کشور خواهند بود، گفت: اما به‌نظر می‌آید جریان سومی می‌تواند شکل بگیرد که با محوریت آقای هاشمی در حال شکل‌گیری است. قائم‌مقام دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با بیان اینکه احزاب مستمر بعد از انقلاب پس از کنار رفتن بنی‌صدر شکل گرفتند، اظهار داشت: روند شکل‌گیری این احزاب با خروج چند تن از اعضای جامعه روحانیت مبارز و شکل دادن مجمع روحانیون مبارز شروع شد. نبوی تاکید کرد که جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون دو جریان عمده کشور را تاکنون تشکیل داده‌اند که (باقی) حول محور این دو جریان فعالیت کرده‌اند. وی در ادامه گفت: این دو جریان پایه‌های اصلی سامانه حزبی ما خواهند بود و هیچ‌کدام نمی‌توانند همدیگر را حذف کنند، اما به‌نظر می‌آید جریان سومی می‌تواند شکل بگیرد که با محوریت آقای هاشمی در حال شکل‌گیری است. وی افزود: هاشمی رفسنجانی در هر مسئولیتی که حضور داشته است با رفتاری میانه از هر دو جریان سیاسی کشور استفاده کرده است.

انصار حزب الله

حسن روحانی سیاست‌زده است

یالثارات: انصار حزب‌الله دزفول با صدور بیانیه اعتراض‌آمیزی از اقدامات اخیر حسن روحانی عضو مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام انتقاد کرد و وی را سیاست‌زده نامید. در بخشی از این بیانیه آمده است: «خبرهای موثقی حاکی است «ویلیام مکلوی» عضو شورای روابط خارجی آمریکا و «ویلیام میلر» رئیس جست‌وجوی زمینه‌های مشترک، با دعوت رسمی «مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام» و پیگیری و تلاش همه‌جانبه حسن روحانی برای شرکت در همایشی تحت عنوان «چشم‌انداز برنامه هسته‌ای ایران» به تهران آمد و شد کرده‌اند که تحلیلگران عقیده دارند سفر این دو آمریکایی که سوابق مشخص ضدایرانی دارند بخشی از برنامه محفل پیگیری سازش با آمریکا است.» این بیانیه در ادامه تصریح می‌کند: «شورای روابط خارجی آمریکا مهمترین مرکز سیاستگزاری این کشور است و ارتباط مرکز تحت ریاست حسن روحانی با توجه به موقعیت قبلی ایشان در شورای امنیت ملی سئوال‌برانگیز و مایه‌تاسف است و ثابت می‌کند که وی سیاست‌زده است نه سیاستمدار، زیرا کسی که از بصیرت و استقلال سیاسی برخوردار نیست و بیشتر سیاست‌زده است تا سیاستمدار، در معادلات سیاسی خود، ارتباط با مستکبران را مساوی با پیشرفت کشور می‌داند، شیفته غرب است، دائماً ارتباط با آمریکا، آن هم با ادعای اصلاح و رشد کشور را سر می‌دهد و یا در کوتاه آمدن از مواضع اصولی و خدشه‌ناپذیر اسلام و انقلاب مصر است و علاوه بر آن از ضعف سیاسی برخوردار است و تدبیر لازم را ندارد.»

■ مواضع روحانی به نهضت آزادی نزدیک است

انصار حزب‌الله استان گلستان با صدور بیانیه‌ای اعتراض‌آمیز اظهارات اخیر حسن روحانی- دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی- را مرعوبانه و تامل‌برانگیز خواند. در ابتدای این بیانیه آمده است: «حاصل سخنان جناب آقای روحانی که موجبات ذوق‌زدگی و خوشحالی دشمنان درجه یک اسلام و انقلاب را فراهم آورد در موارد ذیل خلاصه می‌شود: مذاکره با آمریکا، فرصت‌سوزی مسئولان نظام، زیر سئوال بردن برخی از مواضع حضرت امام(ره) و مسئولان درباره دوران دفاع مقدس، آزادی گروگان‌ها و موضوع فناوری هسته‌ای.» این بیانیه می‌افزاید: «بسیار شگفت‌انگیز است که جناب آقای روحانی موضع نظام و امام و انقلاب در برابر شیطان بزرگ را زیر سئوال می‌برد و اصرار بر مذاکره با دشمن قسم‌خورده ایران اسلامی یعنی آمریکا دارد. مگر امام(ره) نفرمود رابطه ایران و آمریکا رابطه میش و گرگ است و مذاکره گرگ و میش معنا ندارد؟!» در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: «آقای روحانی در قسمت دیگری از اظهارات تأمل‌برانگیز خود برخلاف نظر صریح معمار کبیر انقلاب اسلامی مسئله لانه جاسوسی و آزادی گروگان‌ها را زیر سئوال برده است.» این بیانیه می‌افزاید: «سخنان جناب روحانی کمتر سنخیتی با اهداف آرمانگرایانه و عزت‌مدار ملت و نظام اسلامی ندارد. البته از زاویه دیگر شباهت بسیار زیادی با اظهارات مرعوبانه و خائنانه گروهک‌های نهضت آزادی و جبهه ملی و... دارد.»

جمعیت آبادگران جوان

آفرین بر هوش سرشار احمدی‌نژاد

محمد جوادی*: دکتر احمدی‌نژاد که حقیقتاً از بهره هوشی بسیار بالایی برخوردار است، از روزهای اولیه دوره ریاست‌جمهوری خود چنان با ظرافت و ابتکار از قدرت تبلیغاتی جهان غرب به سود جهان اسلام بهره گرفته است که همه دنیا اعم از دشمنان اسلام و دوستداران آن را انگشت به دهان کرده است. رئیس‌جمهور دوست‌داشتنی ما با شیوه تبلیغاتی مخصوص خود یعنی سئوال در ذهن مخاطب عملاً توجه همه جهانیان را در اجلاس سازمان ملل به سمت خود جلب کرد که سرآمد آنها مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان بود، صحبت از پیشنهاد خود برای برون‌رفت از این بن‌بست به میان آورد و عملاً کلیه قدرت‌های خبری جهان را تا روز سخنرانی خود در سازمان ملل در اختیار گرفت تا در روز سخنرانی چشم همه مردم جهان به زبان رئیس‌